



عهد و گفتگو

Jonathan Sacks
THE RABBI SACKS LEGACY

مطالعات SPIRITUALITY

از درسگفتارها و نوشتارهای ربای لرد چانانان ساکس

با سپاس از Schimmel Family برای حمایت سخاوتمندانه از عهد و گفتگو به نگو داشت یاد Harry (Chaim) Schimmel. "من از همان بار اول که با نسخه و تفسیر توره ربای خیم شیمل روبرو شدم تا اکنون، آنرا عزیز داشته ام. هدف آن نه فقط نشان دادن حقیقت ظاهری متن توره، بلکه رسیدن به حقیقت زرفری است که در آن نهفته است. او به همراه همسر ستودنی اش آنرا در فصت سال زندگی مشترک، یک زندگی سرشار از عشق به خانواده، اجتماع و تورات ساختند. زوج بیمانندی که با نمونه زندگی خود، بینهایت الهام بخش من بوده اند." - ربای ساکس

تفسیر هفتگی تورات

بو: فرزند معنویت

Bo

The Spiritual Child

نویسنده آمریکایی، بروس فیلر، کتابی از پرفروشترین ها دارد به نام *The Secrets of Happy Families*.¹

این کتابی است پرکشش که با استفاده از پژوهش های قلمروهایی چون کار گروهی، حل مشکل، و حل اختلاف نوشته شده و می کوشد نشان دهد که چگونه شگردهای مدیریت می توانند توسط خانواده ها برای کمک به انسجام خانواده ها و بازکردن فضا برای رشد فردی کودکان به کار گرفته شوند.

اما او در پایان کتاب نکته ای بسیار تکان دهنده و غیرمنتظره بیان می کند: "تنها کار مهمی که می توانید برای خانواده خود انجام دهید، ساده ترین کار است: یک روایت خانوادگی نیرومند درست کنید." او از یک تحقیق دانشگاه امروزی نقل می کند که هر چه فرزندان

¹ Bruce Feiler, *The Secrets of Happy Families* (New York: William Morrow, 2013).

درباره داستان خانواده خود بیشتر بدانند، بهتر به کارکردهای خانواده خود باور می آورند."

2

یک روایت خانوادگی فرزندان را به چیزی بزرگتر از خودشان پیوند می دهد. به آنها کمک می کند که بفهمند چگونه به دنیای پیش از تولد خود مربوط می شوند. به آنها نقطه آغاز یک هویت را می دهد. این نیز به نوبه خود به پایه اعتماد به نفس آنها بدل می گردد. به فرزندان امکان می دهد که بگویند: این من هستم. این داستانی است که من بخشی از آن هستم. اینها افرادی هستند که پیش از من آمدند و من نسل بعدی آنها هستم. اینها ریشه هایی هستند که من از آنها به طرف خورشید بالا کشیده ام.

این نکته هیچ جای دیگر به خوبی این پاراشا و در سخنان مشه در طول آن به خوبی بیان نشده است. ضربت دهم در راه است. موسی می داند که این آخرین ضربت خواهد بود. فرعون نه فقط می گذارد که قوم برود، بلکه آنها را مجبور به این کار خواهد کرد. پس موسی به دستور خدا مردم را برای آزادی آماده می کند. اما او این کار را به گونه ای بینظیر انجام می دهد. او از آزادی سخن نمی گوید. از گسستن زنجیرهای بردگی نمی گوید. حتی از سفر دشوار پیش روی آنها حرف نمی زند. او نمی کوشد تا با اشاره به مقصد و سرزمین موعودی که خدا وعده اش را به ابراهیم، اسحاق و یعقوب داده بود، یعنی سرزمین شیر و عسل، مردم را تهییج کند.

او درباره کودکان سخن می گوید. سه بار در جریان پاراشای حاضر به این موضوع برمی گردد:

² Ibid., 274. Feiler does not cite the source, but see: Jennifer G. Bohanek, Kelly A. Marin, Robyn Fivush, and Marshall P. Duke, "Family Narrative Interaction and Children's Sense of Self," *Family Process* 45.1 (2006): pp. 39–54.

و زمان که فرزندان شما می پرسند: "منظور شما از این رسم چیست؟ خواهی گفت: (خروج ۲۷-۲۶:۱۲)

و تو شرح خواهی داد به فرزندان که این رسم به خاطر کاری است که خدا در آن روز وقتی از مصر نجات یافتیم، برای من انجام داد. " (خروج ۸:۱۳)

و زمانی که در آینده فرزندان از تو پرسد "این چه معنایی دارد؟" به او خواهی گفت: (خروج ۱۴:۱۳)

این به طرز شگفت انگیزی خلاف تهییج است. او از فردا سخن نمی گوید بلکه از آینده ای دور می گوید. او لحظه آزادی را جشن نمی گیرد. بلکه می خواهد مطمئن شود که این رویداد تا آخر زمان، بخشی از حافظه قومی خواهد بود. او می خواهد که هر نسل این داستان را به نسل بعدی منتقل کند. او می خواهد که به خاطر آینده، والدین یهودی به مربیان تبدیل شوند و فرزندان یهودی به محافظان گذشته. موسی با الهام گرفتن از خدا به بنی اسرائیل درسی داد که چینی ها به گونه دیگری بیان می کنند: اگر برای یک سال زمین را می کاری، برنج بکار. اگر برای یک دهه می کاری درختی بکار. اگر برای یک قرن می کاری، یک فرزند تربیت کن.

یهودیان در طول قرن ها به خاطر الویت دادن به تعلیم و تربیت شهرت داشتند. هر قدر دیگران قصرها و مکان های شکوهمند ساختند، یهودیان مدارس و مراکز تعلیم و تربیت بنا کردند. همه دستاوردهایی که ما نسبت به آنها غرور دستجمعی داریم، از این امور برخاسته اند: یهودیان حتی در دوران های بیسوادی توده های مردم با متون دینی خود آشنا بودند؛ پیشتاز بودن یهودیان در امور دانشگاهی و کارهای فکری؛ حضور خیره کننده یهودیان در میان کسانی که ذهنیت مدرن را رقم زدند؛ شهرت یهودیان در زمینه های قدرت ذهنی،

استدلالی، جدلی و توانایی دیدن همه جوانب یک اختلاف نظر که گاهی ستایش و گاهی نکوهش می شد و گاهی به شکل کاریکاتور ترسیم می شد.

اما حرف موسی فقط همین نبود. خدا هرگز به ما دستور نداد و نگفت که تو باید جایزه نوبل برنده شوی. آنچه او از ما می خواست این بود که داستانی را بازگو کنیم. او می خواست که فرزندان ما بدانند که هستند و از کجا آمده اند، چه بر نیاکان آنها گذشت که آنها را مردمی برجسته ساخت و چه لحظاتی در تاریخ آنها زندگی و رویاهای آنها را شکل بخشید.

او از ما خواست که از راه تبدیل تاریخ به حافظه و تبدیل و به یک مسئولیت به فرزندان خود یک هویت بدهیم. یهودیان فراخوانده نشدند که ملتی از دانشمندان باشند. آنها فراخوانده شدند که بازیگران حکایت رستگاری و مردمی باشند که از سوی خدا دعوت شدند تا برکت ها را با روش زندگی و تقدیس حیات توسط خود به دنیا ارزانی بدارند.

اینک مدتی است که همراه بسیاری دیگر از جوامع ما این عنصر عمیقاً معنوی تعلیم و تربیت را نادیده گرفته اند. کتاب اخیر لیسا میلر به نام *The Spiritual Child*³ یادآور خوبی برای این حقیقت فراموش شده است.

پروفسور میلر مدرس روانشناسی و تعلیم و تربیت در دانشگاه کلمبیا و نویسنده همراه مجله *Spirituality in Clinical Practice* است.

کتاب او درمورد یهودیت یا حتی دین نیست، بلکه به اهمیت تشویق والدین از معنویت کودکان اختصاص دارد. کودکان به طور طبیعی گرایش به معنویت دارند. آنها از عظمت

³ Lisa Miller, *The Spiritual Child: The New Science on Parenting for Health and Lifelong Thriving* (New York: St Martin's Press, 2015).

جهان و جایگاه ما در آن به حیرت می افتند. کودکان همان حس شگفتی را که در برخی از مزامیر داوود می یابیم، دارند. آنها داستان ها، سرودها و مراسم را دوست دارند. آنها شکل و ساختاری که به زمان می دهند و مناسبات و زندگی اخلاقی را دوست دارند.

بی تردید، بدبین ها و خداناباوران اغلب دین را نگرشی کودکانه به واقعیت دنیا ارزیابی می کنند، اما این فقط به قدرت این استدلال می افزاید که دیدگاه یک کودک به صورت غریزی و مکاشفه درونی، دین باور است. اگر با مسخره کردن ایمان به خدا کودک را از این نگرش او محروم کنیم و موجب شویم مراسم دینی را رها کند و به جای آن روی دستاوردهای آکادمیک یا غیره متمرکز شود، آن گاه او را از مهمترین عنصر بهزیستی عاطفی و روانی محروم ساخته ایم.

همان گونه که پروفیسور میلر نشان می دهد، شواهد تحقیقی، این نتیجه گیری را تایید می کنند. کودکانی که در خانه هایی به دنیا آمده اند که معنویت دینی در فضای آن حضور دارد کمتر دچار افسردگی، مصرف مواد مخدر، رفتار تهاجمی و رفتارهای خطرناک از جمله ریسک های جسمانی یا "درگیر شدن در روابط جنسی بدون عواطف انسانی" می شوند. معنویت، قدرت مقاومت کودک، سلامتی جسمی و روحی و قدرت شفایابی او را افزایش می دهد. همچنین یک بعد کلیدی در سن بلوغ و جستجوی شدید نوجوان برای درک هویت و هدف است. سال های نوجوانی اغلب همراه با جستجوی معنویت است. وقتی پیوندی بین نسل ها میان والدین و کودکان هست و آنها را به امری بزرگتر از خودشان پیوند می دهد، قدرت درونی عظیمی در کودکان شکل می گیرد. به راستی، مناسبات والدین و فرزند به ویژه در یهودیت، آینه ای است از مناسبات میان خدا و ما.

از این رو است که موسی اغلب بر روی نقش پرسشگری در جریان تعلیم و تربیت اصرار دارد: "وقتی فرزند شما پرسد و بگوید ... " — همان کاری که رسم است بر سر سفرهٔ پسخ با عنوان مه نیشتنا انجام می دهیم. یهودیت ایمان و دین پرسشگری و استدلال گری است که در آن حتی بزرگترین افراد از خدا پرسش می کنند و ربای ها در میشنا و میدراش با یکدیگر مرتب به مخالفت برمی خیزند. ادیان سختگیری که پرسشگری را محدود می کنند و خواهان پیروی کورکورانه و تسلیم هستند، به روح و روان افراد لطمه می زنند و قادر به آماده کردن کودک برای چالش های زندگی نیستند. افزون بر این، تورات در پاراگراف اول شموت احتیاط به خرج می دهد و اول می گوید: "باید خداوند خدای خود را دوست بداری" و پس از آن می گوید "باید این نکات را با پیگیری به فرزندان بیاموزی". والدین بودن زمانی موثر است که کودکان می بینند شما خودتان آنچه می خواهید آنها بیاموزید را دوست دارید.

پاراشای این هفته به ما نشان می دهد که راهپیمایی بزرگ به سوی آزادی [توضیح مترجم فارسی: اینجا ربای ساکس به عنوان کتاب نلسون ماندلا اشاره دارد] تنها موضوعی تاریخی و سیاسی نیست، چه رسد که معجزه ها در کار باشند. بلکه با مناسبات میان والدین و کودکان پیوند دارد. باید داستان آنها بازگفت و از نسلی به نسل دیگر منتقل کرد. به احساس حضور خدا در زندگی ما ارتباط دارد. با ایجاد فضا برای امر مقدس و اعجازآمیز، شکرگزاری، همدردی، مهرورزی، بخشش و دلسوزی مرتبط است. این عوامل به کودک احساس اعتماد به نفس، تعلق و احساس جهان همچون خانهٔ خود می دهد.

نمی توان جامعه ای سالم از خانواده هایی ناسالم و فرزندان عصبانی و درگیر جدال درونی آفرید. امید در خانه متولد می شود.

ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی توسط شیریندخت
دقیقیان

Persian Translation by Shirin D. Daghighian



www.RabbiSacks.org     @RabbiSacks

The Rabbi Sacks Legacy Trust, PO Box 72007, London, NW6 6RW • +44 (0)20 7286 6391 • info@rabbisacks.org

© Rabbi Sacks • All rights reserved